

تحلیل معرفت‌شناختی واژگان و گزاره‌های معرفتی در گویش سمنانی

عظیم حمزئیان*
استادیار دانشگاه سمنان

چکیده

معرفت‌شناسی^۱، یکی از شاخه‌های فلسفه و از نتایج مستقیم فلسفه تحلیلی است؛ زیرا دیگر شاخه‌های فلسفه در صددند تا معرفتی از چیزی حاصل کنند. اما پیش‌تر از آن باید بدانند که دانستن، شرایط آن و معرفت گزاره‌ای چیست. تعریف معرفت گزاره‌ای^۲، به باور بلیف، صادق^۳ موجه^۴، سابقه‌ای طولانی در این دانش دارد. برای معرفت به امری، باید به آن «باور» داشت؛ باوری که باید «صادق» و «موجه» نیز باشد. گویش سمنانی همانند گویش‌های دیگر، دربردارنده واژگان معرفتی متداول در میان گویشوران است و آنان معانی معرفتی خاصی از آن مقصود داشته‌اند. این مقاله با بهره‌گرفتن از شیوه تحلیلی-تطبیقی و با هدف شناسایی واژگان و گزاره‌های معرفتی در این گویش، مقایسه آن با زبان فارسی و تحلیل وجوه اختلاف و اتفاق آن‌ها نوشته شده است. نتایج به دست آمده، گویای آن است که این گویش، در مقایسه با زبان فارسی، در حوزه معرفت یقینی و معرفت گزاره‌ای، از نظر تعداد واژگان و گزاره‌ها و محتوای معرفت‌شناختی آن‌ها، غنی‌تر از زبان فارسی است.

کلیدواژه معرفت، گویش سمنانی، شک، یقین، معرفت‌شناسی.

* ahamzeian@semnan.ac.ir

- 1- Epistemology.
- 2- Propositional Knowledge.
- 3- Truth .
- 4- Justified.